



قهرمانی که نیستیم!

چرا عده‌ای در پی رسیدن به موفقیت‌های کاذب هستند؟



نیلوفر امامی

روزنامه‌نگار

موفقیت یا عدم موفقیت، شانس است. واقعیت این است که ممکن است این شانس برای کسی، هیچ وقت رخ ندهد. ما باید این فرض پذیرفته شده که «هر کس تلاش کند، حتماً به نتیجه می‌رسد» را به دیده ابهام بنگریم. این موضوع تلخی است؛ اما اگر آن را به عنوان یک واقعیت بپذیریم از اندوه‌مان نسبت به این شرایط کاسته شده و از آن احساس شرم کاذب در امان می‌مانیم. «مسئول بخش آموزش باغ کتاب تهران در پایان صحبت‌های خود دو راه را به عنوان اقدامات تسکین‌بخش و موثر در کاهش این سرخوردگی بیان می‌کند و می‌گوید: «یکی از راه‌حلی‌هایی که «دوباتن» پیشنهاد می‌دهد، هنر است. هنر نوعی پادزهر است. هنر زندگی را شایسته نقد می‌داند. بسیاری از شخصیت‌های داستان‌های مشهور در دنیای واقعی، مجالی برای اهمیت یافتن و دیده شدن نداشته‌اند، اما هر کدام از آنها در کتاب خود، قهرمان داستان‌هایشان هستند. هنر این امکان را به انسان‌ها می‌دهد که داستان‌های شنیده نشده و آدم‌های دیده نشده را ببینند و صدای مردمان بی‌صدایان باشد. راه دوم، احیای «تراژدی» است. تراژدی، سبکی نوشتاری در یونان باستان است که امکان همدلی نسبت به افرادی که به موفقیت نرسیده‌اند را فراهم می‌سازد و این نگاه را به ما می‌دهد که شاید برای ما هم چنین اتفاقی بیفتد.»

قرنطینه؛ فرصتی برای مرور خود

شاید در این روزهایی که با اجباری خودخواسته در خانه مانده‌ایم و جهان حقیقی پیرامون‌مان را به یک چهار دیواری محدود کرده‌ایم، فرصت مناسبی باشد تا خودمان را مرور کنیم و جایگاه‌مان در جهان هستی را بررسی کرده و حقیقت آن را بپذیریم.

به دنیا آید، تقصیر خودش نیست؛ اما اگر فقیر زده و می‌گوید: «دوباتن در کتاب اضطراب موقعیت معتقد است که در گذشته هویت آدم‌ها با گزاره‌های دیگری تعریف می‌شد و شکل می‌گرفت. یکی از آن گزاره‌ها این بود که فقرا مسئول شرایط خود نیستند. یک پدر فقیر احساس نمی‌کرد که «هیچ‌کس» است یا به آخر خط رسیده و هنوز عشق را از منابع مختلف دنیا دریافت می‌کرد. گزاره دیگری این بود که ثروتمندان گناهکار و فاسد هستند. ثروت، معیار و ملاک اخلاقی برای سنجش و مقایسه آدم‌ها نیست و الوهیتی در بیرون از این دنیا و در جهانی دیگر وجود دارد که ارزش‌گذاری آدم‌ها را بر اساس معیارهای اخلاقی است. این گزاره‌ها در گذشته می‌توانست انسان‌ها را تسکین دهد. «شکوری همچنین می‌گوید: «در اوایل قرن هجدهم میلادی، یک پزشک آلمانی به نام «برنارد ماندویل»، در کتاب «افسانه زنبورها» بیان می‌کند که این ثروتمندان هستند که برای جامعه مفیدند و بدون ثروتمندان فقرا خیلی زود به گورهایشان سپرده می‌شوند. اگر تجمل و ولخرجی و غرور ثروتمندان نباشد، شغلی هم برای فقرا وجود ندارد «بعد از پروتستانسم نیز گزاره «تومی توانی با شرایط بسازی» تبدیل به این گزاره شد که «اگر کسی در این دنیا زندگی خوبی ندارد، در آن دنیا نیز زندگی خوبی در انتظارش نخواهد بود». ما به عنوان یک انسان ملزم شده‌ایم تا جایی که می‌توانیم دستاوردهایمان را به آن‌هایی که به هر دلیل از این بازی دور می‌مانند، باین حس بازی را ترک می‌کنند که حتماً ایرادی دارند و خود علت باخت خودشان هستند.»

وابستگی به استعدادهای ناپایدار

شکوری به استعدادهای ناپایدار نیز اشاره کرده و می‌گوید: «دلیل دیگر این وضعیت از نظر «دوباتن» وابستگی به استعدادهای ناپایدار است. در واقع ما همیشه نمی‌توانیم بهترین خودمان باشیم. استعدادهای ما، مدام در معرض تغییر است. یونانیان ۹ اسطوره دارند و معتقدند این اسطوره‌ها استعدادهایی را به عنوان هدیه به آدم‌ها می‌دهند و ممکن است به راحتی آن را پس بگیرند.»

شانس را به عنوان یک واقعیت بپذیریم!

شکوری ادامه می‌دهد: «عامل دیگر در

همچنین به کتاب «دوباتن» نیز گریزی زده و می‌گوید: «دوباتن در کتاب اضطراب موقعیت» نوشته «آلن دوباتن» توضیح داده و می‌گوید: «این کتاب درباره نوع ارتباط ما با جهان است؛ ارتباطی که به فراخور موقعیت ما در جهان هستی می‌تواند آسیب‌زننده و باعث بازتولید اضطراب شود. شاید بتوان آدم‌ها را از این منظر به دو گروه تقسیم کرد؛ کسانی که برای خود کسی هستند و هر حرکت‌شان مهم است و هر لیخندشان تحلیل می‌شود و افرادی که هیچ‌کس نیستند، نامریی هستند، دیده نمی‌شوند و از جهان، شکست عشقی می‌خورند.» شکوری می‌گوید: «ما به شکی ذاتی به خود مبتلا هستیم. در مورد اینکه چقدر خوبیم، باهوشیم، زیبایییم و کجای دنیا ایستادیم، دچار شک هستیم و این جهان و دیگرانند که باید ما را از این تردید خارج کنند. در واقع هویت ما، زندانی دآوری دیگران است. در دنیا میلیاردها انسان عادی وجود دارد؛ کسانی که برچسب معمولی بودن می‌خورند، هیچ‌کس نیستند، نامریی هستند و این به نوعی بیشترین شکنجه است که کسی دیده و شنیده نشود و دنیا هیچ واکنشی به او نشان ندهد.» او در ادامه به گذشته نیز اشاره کرده و می‌گوید: «ما در گذشته شرایط اینگونه نبود و اضطراب موقعیت به این شکل برای آدم‌ها مسأله نبوده است. در گذشته ممکن بود آدم‌ها فقیر باشند و از نظر موقعیت اجتماعی در طبقات پایین جامعه بگنجند، اما از این فقر خود شرم‌گین نبودند. امروز ما نظامی از شایسته‌سالاری ایجاد کرده‌ایم و معتقدیم اگر کسی در آن ننگند، مشکل از خودشان است. احتمالاً کندن‌ذهن، تنبل، مردد یا بی‌ایمان است. به او برچسب «شکست‌خورده» می‌زنیم. او باخته است و علاوه بر فقر، شرم و اضطراب اینکه جهان چه پاسخی به شکست او خواهد داد را نیز تجربه می‌کند.» شکوری

ما ناکافی هستیم؟

او ادامه می‌دهد: «همه ما به دفعات این جملات مخرب را در روان‌شناسی مثبت‌اندیشی شنیده‌ایم که اگر کسی فقیر

در افراد و احساس سرخوردگی ناشی از خاص نبودن را براساس کتاب «اضطراب موقعیت» نوشته «آلن دوباتن» توضیح داده و می‌گوید: «این کتاب درباره نوع ارتباط ما با جهان است؛ ارتباطی که به فراخور موقعیت ما در جهان هستی می‌تواند آسیب‌زننده و باعث بازتولید اضطراب شود. شاید بتوان آدم‌ها را از این منظر به دو گروه تقسیم کرد؛ کسانی که برای خود کسی هستند و هر حرکت‌شان مهم است و هر لیخندشان تحلیل می‌شود و افرادی که هیچ‌کس نیستند، نامریی هستند، دیده نمی‌شوند و از جهان، شکست عشقی می‌خورند.» شکوری می‌گوید: «ما به شکی ذاتی به خود مبتلا هستیم. در مورد اینکه چقدر خوبیم، باهوشیم، زیبایییم و کجای دنیا ایستادیم، دچار شک هستیم و این جهان و دیگرانند که باید ما را از این تردید خارج کنند. در واقع هویت ما، زندانی دآوری دیگران است. در دنیا میلیاردها انسان عادی وجود دارد؛ کسانی که برچسب معمولی بودن می‌خورند، هیچ‌کس نیستند، نامریی هستند و این به نوعی بیشترین شکنجه است که کسی دیده و شنیده نشود و دنیا هیچ واکنشی به او نشان ندهد.» او در ادامه به گذشته نیز اشاره کرده و می‌گوید: «ما در گذشته شرایط اینگونه نبود و اضطراب موقعیت به این شکل برای آدم‌ها مسأله نبوده است. در گذشته ممکن بود آدم‌ها فقیر باشند و از نظر موقعیت اجتماعی در طبقات پایین جامعه بگنجند، اما از این فقر خود شرم‌گین نبودند. امروز ما نظامی از شایسته‌سالاری ایجاد کرده‌ایم و معتقدیم اگر کسی در آن ننگند، مشکل از خودشان است. احتمالاً کندن‌ذهن، تنبل، مردد یا بی‌ایمان است. به او برچسب «شکست‌خورده» می‌زنیم. او باخته است و علاوه بر فقر، شرم و اضطراب اینکه جهان چه پاسخی به شکست او خواهد داد را نیز تجربه می‌کند.» شکوری

قریب به یک سال است که در ادبیات فرهنگی کشورمان، ۹۹،۹۹ جایگاه ویژه‌ای یافته و بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. امروز و پس از گذشت یک هفته از این اتفاق تاریخی (!) و فروکش کردن تب خاص پیرامون آن، بهتر می‌توان به ابعاد مختلف این پدیده فرهنگی پرداخت؛ پدیده‌ای که در قرن آینده و با رسیدن به تاریخ‌های رندی همچون ۱۰۱، ۱۰۲، ۲۰۲۰ و مانند آن، بیشتر نیز خواهد شد. در این میان پرسش اصلی این است که چرا یک عدد چهار رقمی به مفهومی حیاتی در زندگی ما تبدیل شده و شروع تمام کارهای مهم بسیاری از ما به این روز گره خورده و... حتی تولد فرزندانمان. چرا؟ چون عددی خاص است و بهانه‌ای است برای خاص بودنمان، همین. میل به متفاوت و خاص بودن برای آدم‌ها، حتی با چنین بهانه‌های کوچکی، از آن جمله چالش‌های فراگیری است که بشر امروز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. برای اثبات این ادعا نیازی به ارائه برهان خاصی نیست. کافیست نگاهی به صفحات برنامه‌های ارتباطی مجازی و حتی محیط‌های حقیقی اطراف خود بیندازیم تا تعداد زیادی از آدم‌هایی مواجه شویم که خود فعلی‌شان را ناکافی می‌دانند و برای تغییر شرایط و رسیدن به یک ایده‌آل ذهنی موهوم تلاش می‌کنند. آدم‌هایی که می‌جنگند تا در این جهان شلوغ و سرد گرم، دیده شوند و قهرمان دنیا باشند؛ اما گویی کام‌چاه‌ویل این نبرد، بی‌انتهاست و سقوط در آن باعث می‌شود که چنین افرادی حتی نتوانند قهرمان زندگی خود باشند.

کجا ایستاده‌ایم؟

دکتر مجتبی شکوری، کارشناس برنامه «کتاب‌باز» و مسئول بخش آموزش باغ کتاب تهران، ریشه‌های میل به دیده شدن

atiyeonline.ir

ما به شکی ذاتی به خود مبتلا هستیم. در مورد اینکه چقدر خوبیم، باهوشیم، زیبایییم و کجای دنیا ایستادیم، دچار شک هستیم و این جهان و دیگرانند که باید ما را از این تردید خارج کنند

سازمان بین‌المللی کار گزارش داد

۷۶ درصد از کارگران جهان دستمزد کافی ندارند

تحلیل

مبلغ دریافتی برخی از کارگران در سراسر جهان از حداقل دستمزد تعیین شده در کشورهای خودشان نیز کمتر است. آنها معتقدند باین دستمزد تأمین حداقل‌های زندگی محروم هستند. سازمان بین‌المللی کار با انتشار گزارشی درباره «حداقل دستمزد» کارگران در سراسر جهان نوشت: «متأسفانه ویروس کرونا تنها امنیت شغلی کارگران را تحت تأثیر قرار داده بلکه مزد دریافتی کارگران نیز از تأثیرات کرونا در امان نبوده است. نرخ دستمزد کارگران، پس

از شیوع کرونا در سراسر جهان سقوط کرد و حدود ۲۶۶ میلیون نفر در این کره خاکی از حداقل دستمزد تعیین شده در کشورهای خود، برخوردار نیستند.» آخرین گزارش سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد کارگران در دو سوم از کشورهای جهان از حداقل حقوق تعیین شده برخوردار نیستند. به دلیل افزایش نرخ بیکاری در کشورهای کارگران مجبور به پذیرش بحران‌های دستمزد از سوی کارفرما هستند. «شارون بارو» دبیر کل کنفدراسیون

بین‌المللی کار فرانسه می‌گوید: «گزارش سازمان بین‌المللی کار، یک رسوایی جهانی در خصوص مزد کارگران را آشکار کرده است. حداقل دستمزد تعیین شده برای کارگران در بسیاری از مناطق، زیر خط فقر آن کشورها به حساب می‌آید. کنفدراسیون بین‌المللی کار فرانسه با برگزاری یک نظرسنجی از کارگران سراسر جهان خواست تا نگرش خود را درباره دریافتی خود بیان کنند که ۷۶ درصد از آنها معتقد بودند، حداقل دستمزد برای زندگی آبرومند کافی نیست.»

او ادامه داد: «وضعیت زندگی میلیون‌ها کارگر قبل از شیوع کرونا در آستانه نابودی بود و با آمدن این ویروس، روند از بین رفتن زندگی آنها سرعت گرفته است. تضمین حداقل دستمزد برای کارگران امری ضروری و حیاتی است؛ به دلیل اینکه آنها بتوانند حداقل‌ها را برای خانواده خود تأمین کنند.» این گزارش همچنین کارگران زن سراسر جهان را نیز جامعه هدف خود قرار داده است؛ چرا که ۶۰ درصد از کارگران زن مجبور هستند که ساعات کمتری در طول

روز کار کنند که این امر با کاهش دستمزد همراه است. اگرچه دولتمردان و کارفرمایان تصور می‌کنند افزایش حداقل دستمزد به رشد اقتصادی لطمه وارد می‌کند اما یافته‌های سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد افزایش حداقل مزد دریافتی عاملی برای کاهش نابرابری درآمدی است. افزایش حداقل دستمزد برای کارگران نه تنها ضروری است بلکه عاملی برای توسعه اقتصادی و کاهش نیاز کارگران به حمایت‌های دولتی است.

گزارش سازمان بین‌المللی کار، یک رسوایی جهانی در خصوص مزد کارگران را آشکار کرده است

رسانه جامع حوزه رفاه و تأمین اجتماعی